



۲۰۱۵/۱۲/۲۶

ملالی موسی نظام

اشغال افغانستان، فاجعه‌ی المناک یک ملت

ششم جدی ۱۳۵۸، روزی که افغانستان به اشغال اتحاد شوروی درآمد!



با تغییر و اضافات بر مضمون سال گذشته و اتکاء بر حقایق تاریخی وابسته به این تراژیدی بزرگ انسانی ملت افغانستان

در ۲۷ دسمبر سال ۱۹۷۹ بعد از عید میلاد مسیح، فاجعه‌ی المناک اشغال افغانستان، مملکت آزاد و غیر منسلک در قلب آسیا، توسط قوای سفاک اتحاد شوروی ای وقت، مردم جهان را که تا آنوقت اشتبهاً گمان میبردند که در مملکت ما صرف یک کودتای عسکری باعث تغییر و جابجا شدن قدرت گردیده است، به ناباوری و افسوس فرو برد. با سپری شدن سی و شش سال از کودتای منحوس ۷ ثور ۱۳۵۷ که بدون شك سرآغاز تمام بدبختی های خانمان سوز ملت افغانستان و انگیزه بربادی و انهدام بنیادی وطن ما میباشد، به سبب فقدان عدالت اجتماعی و سیاست مصالحه با جنایتکاران حکومت آقای کرزی، همان عمال سرسپرده خلی و پرچی که در خوان خیراتی ای ممالک غربی پناه برده و از ترس بازخواست، با خفت در پناه گاههای خویش پنهان گشته بودند، به تدریج دوباره به مملکت جنگ زده ویران سرازیر گردیدند. امروز افغانستان یگانه مملکت جهان است که جنایتکاران جنگی ادوار مختلفه، در آن چون بهشت موعود نه تنها آزادانه و راحت غنوده اند بلکه از برکت امکانات مساعد و سیاست سخیف مصلحت گرایی دولت، حزبی های خاک فروش معلوم الحال به بالا ترین مقام در پارلمان و حکومت و قضاء به تدریج اخذ موقع نموده و با گارد و تجمل و دبدبه، بر حال زار ملت میخندند.... مگر کبیر رنجبر، نورالحق علومی، اتمر و محمد

گلابزوی و امثال آنان، تافته های جدا بافته ای از خاک فروشانی چون ببرک کارمل، اناهیتهای راتب زاد، داکتر نجیب، محمود بریالی، دستگیر پنجشیری، حفیظ الله امین و ترکی آموزگار و نابغه بی نظیر خلق بوده اند، یا اینکه از عدم باز خواست و نبود عدالت انتقالی و پالیسی خائن و جاسوس پروری، آنانیکه اشغال افغانستان عزیز را با وطن فروشی آشکارا خیر مقدم گفته و مساعد ساختند، بعد از سقوط طالبان در صدر اکثر مقامات و کارهای مهم مملکت نصب گردیدند. با درد و افسوس که ملت بینوا و زجر کشیده ما که آنروز شاهد آن جنایات و مظالم بیحد و حصر آنان بودند، اینک چهارده سال دیگر هم ناظر و شاهد قدرت شان میباشند!

بهر حال، بعد از مدت چند ماه که از کودتای منحوس ثور ۱۳۵۷-۱۹۷۸ «انقلاب ظفر نمون برگشت ناپذیر» سپری گردید، ترکی خائن، استاد بی نظیر خلق، توسط شاگرد وفادار خویش، حفیظ الله امین که اعمال غیر بشری و غیر اخلاقی وی ثبت تاریخ میباشد، با گذاشتن بالشت بر دهن استاد، به قتل رسید. این سلسله ادامه یافت و کمی بعد تر، حفیظ الله امین، شاگرد وفادار خلق، همچنان با زهر به هدایت باداران و عمال لینن کبیر، مسموم گردیده و مقرش در دارالامان را برادران روس وی به ماشیندار حواله نمودند.

درینوقت، ببرک کارمل سردمدار گروه وطن فروشان پرچم و سرسپرده وفادار سفارت شوروی در کابل، شاه شجاع وارو، از ماورای سرحدات شمال به افغانستان صادر گردیده و با «افتخار» بر میله تانک روسی به جمع تیم قاتلان و نسل کشان افغانی هم مسلک خویش مغرورانه به امرای مسکوی خویش در کابل پیوست.

هرگز فراموش نمی نمایم که ورود ببرک کارمل به کابل مقارن است با تجاوز وحشیانه و غیر انسانی اتحاد شوروی به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ هجری شمسی مطابق ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ میلادی بر خاک مقدس افغانستان که در اثر این



اقدام سفاکانه، آخرین نمونه های ماشین جنگی و اسلحه مخرب ساخت فابریکه جات روسی، با موافقت اعضای حزب خاک فروش دیموکراتیک خلق، مدت نزدیک به یک دهه به پهنای سرزمین ما، بر ملت مظلوم، بی پناه و شریف افغان از راه هوا و زمین، استعمال گردید که موجبات یکونیم ملیون شهید و ملیون ها زخمی، معیوب و آواره از وطن را بار آورد!

دیدیم که ببرک کارمل هم خوشبختانه به دنبال استاد بینظیر و شاگرد وفادار خلق در حبس دور از وطن شکنجه گردید و به

خواری و خفت، به تنهایی و با مرض سرطان در يك کانتینر در حرارت صد درجه به جهنم واصل گردید. دوران نجیب الله هم علی الرغم تلاش ممتد برای ادامه قدرت، و سرسپردگی به روسیه در حال سقوط، با مسلمان شدن های مصنوعی و به منبر رفتن های نمایشی وی در اغفال ملت رنجور، به ناکامی بسر آمد و نتیجتاً به دست طالبان راهی دیار عدم شد.

بعد از شکست خجالت آور قوای متجاوز سوسیال امپریالیزم روس در افغانستان که دامنه آن منجر به از هم پاشی خود رژیم و خفت يك ابر قدرت جهانی گردید، مجاهدین برحق افغان مملکت را از سلطه خیانتکاران حزب وطن فروش دیموکراتیک خلق و باداران آنها نجات دادند.

فاجعه اشغال افغانستان جنگ زده که سر آغاز برپادی آنرا نور محمد ترکی و بیرک کارمل به همکاری تیم جنایتکار خود ها رقم زدند، یکی از تاریکترین و طولانی ترین دوره فنا و برپادی و آوارگی يك ملت در روی کره ارض شمرده میشود. افسانه تلخ ملیون ها مهاجر در ممالک همسایه و مظالم غیر بشری آنان، داستان رقت بار تخریب شهر ها و «۱۷۰۰» قریه افغانستان که در اثر بمباردمان های مهلك از روی نقشه جهان ناپدید گردید، هزاران طفل افغان که در ماورای سرحدات به فروش رسیدند و صد ها هزار دیگر در داخل با بازی، با آنچه در کشت زار های وطن از هوا می ریخت، هلاک شدند، ملیون ها هموطن مظلوم ما که با مین و راکت و بم، اعضای سالم وجود خویش را از دست داده اند و بی حساب قصه و داستان های تلخ دیگری که تاریخ سه دهه ما را هم چنان سیاه و خونبار میسازد. با کشف تعداد زیادی از گورهای دسته جمعی عصر خونخواران حزب دیموکراتیک خلق و حالتی که این مظلومین بی دفاع با لباس، دست بسته، خاموشانه زنده به گور گردیده اند، پاسخ هزاران فامیل دردمندی داده میشود که تا هنوز انتظار بازگشت عزیزان ناپدید شده خود ها را داشتند.



راپور لست ۵۰۰۰ شهیدان مظلوم و بی کفن که صرف از عصر یکی از سفاکان خاک فروش، یعنی حفیظ الله امین است و از جانب حکومت هالند منتشر گردید، داغ و درد هزاران فامیل عزیز از دست داده را تازه نمود. عکس ضمیمه قسمتی از تصاویر اکثراً جوان شهدای این لست خونین را در مرکز کمیون حقوق بشر کابل نشان میدهد که در آغاز قدرت رژیم سفاک، بیرحمانه بقتل رسیده اند، در حالی که صدها عضو مهم خلق و پرچم در هر گوشه جهان و افغانستان عزیز آزادانه در گشت و گذار اند.

در پهلوی ستمکاران مرد «ستون پنجم» اتحاد شوروی وقت، زنان اکثراً پرچمی هم در ایجاد تهدید، دهشت و انحراف زنان افغان از وطن پرستی عنعنوی و ایمانداری، به ماتریالیزم دیالکتیک، دهریت و وابستگی به افکار مارکس و لنین، نقش بسیار شرم آور و آشکارا داشته اند که از آنجمله سردمدار گروه زنان گمراه کمونیست، اناهیتا راتب زاد را باید به یاد آورد که با عده ای از زنان منحرف مانند خود و سر سپردگان کودتای منحوس ثور، جامعه زن شریف افغان را به خفت و از هم گسیخته گی سوق دادند. زنان باند پرچم و خلق پابپای مردان، در کشتار ملت مظلوم و بی دفاع ما، وطن فروشی، جاسوسی و ناپدید گشتن هزاران هزار از هموطنان بیگناه افغانستان، جداً به فعالیت و تخریب این سرزمین اشتغال داشتند، که مرگ بر همه آنان باد.

در پایان این داستان غم انگیز یک ملت در خون نشسته، باید افزود که علی الرغم شکست بیشرمانه اتحاد شوروی سابق توسط سرسپردگان مجاهد افغان، عده ای از هم گامان و پیروان آن که با قیافه و لباس دیگری مخفیانه با دولت مذکور در ارتباط دائمی بوده اند مجادله و تلاش مذبوحانه ای در بخشیدن غرامات جنگی افغانستان که تلفات آنرا «بانک جهانی» بالغ بر ۴۵ بلیون دالر آنزمان، تخمین نموده است، داشته اند. «برهان الدین ربانی» که نام سیاه وی از اشغال کابل و غصب مقام ریاست جمهوری و تا وقت مرگ، به نحوه گوناگون صفحات تاریخ افغانستان را لکه دار مینماید، بدون داشتن صلاحیت قانونی، ویرانی بنیادی وطن و خون یک ونیم ملیون شهید مظلوم آنرا با غرامت تجاوز

سفاکانه ابر قدرت و ده سال کشتار و آوارگی و بدبختی یک ملت، به طمع قدرتمندی و ادامه ریاست جمهوری پوشالی، به ولی نعمت خود، «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه فیدرال بخشش نمود!

با تجاوزات مشابه در جریان تاریخ و عواقب و فیصله جات نورم های حقوق بین الدول در مورد آنان، مؤسسات خیریه حقوق بشر سالهاست که اشغال افغانستان را توسط شوروی وقت، دقیقاً تجاوز علنی و جنایت آشکارا بر علیه بشریت و دقیقاً نقض جابرانه حقوق بشر تعین و تثبیت نموده اند، دولت حامد کرزی نه تنها از خاک فروشان خلق و پرچم حق ملت را بازخواست نه نمود، بلکه معضله درخواست غرامات جنگی، حق مسلم مردم مظلوم ما را از روسیه فدرال، هم در بوته فراموشی سپرد و نام سیاه دیگری برای خویش کسب نمود. کی داد و کی گرفت!



همانطور که معلوم است از جریان دقیق جنگ های افغانستان که چون پرده خونینی از کودتای منحوس ثور که بعد از عصر مقدماتی جمهوریت و اقتدار علنی پرچم در آنوقت آغاز گردیده، اسناد، مدارک و راپور های کاملاً مستند و شواهد عینی بیشمار در دسترس است که یکی از آنها همانا «پروژه عدالت یا دادخواهی افغانستان»

میباشد که قسمت اول آن جریانات کودتای ۷ ثور را با تمام تفصیلات آن تا هجوم تنظیم های تشنه قدرت جهادی در بر می گیرد. باوجود ممانعت مذبحخانه تدریس تاریخ این دوره خونین افغانستان به شاگردان معارف که دسترسی و مطالعه آن با معرفی دست اندرکاران خاک فروش وطنی، در عصر انترنت مثل خوردن آب آسان می باشد، هر سال در بیانیه های مختلفه ای که به مناسبت روز جهانی «حقوق بشر» در افغانستان ایراد می گردد. البته اشاء و نشر «پروژه عدالت افغانستان» از جانب کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان باز هم درخواست می گردد و سال گذشته رئیس جمهور «اشرف غنی» هم انتشار این راپور مهم را که دسترسی به آن، حق مردم افغانستان می باشد،

منوط به فیصله آن کمیسیون دانست: afghanistanjusticeproject.org

این پروژه مهم و مستند که از مصاحبه با ۶۰۰۰ افغان شاهد و ناظر جنگ های افغانستان از سر تا سر مملکت تهیه گردیده، از وبسایت آن به السنه انگلیسی، پشتو و دری قابل دریافت و مطالعه می باشد.

چون مضامین وابسته به رویداد های خاص تاریخ افغانستان عزیز لاجرم خاصیتاً تکرار مکررات محسوب می گردد، ولی هر سالی یقیناً تغییرات و اضافاتی نظر به شرائط و پدیده های جدید به آن افزود میگردد، مانند همین داستان تلخ اشغال سرزمین ما توسط اتحاد شوروی سابق و به کمک خاک فروشان معلوم الحال پیرو آن.

با گذشت ۳۷ سال از ششم جدی ۱۳۵۸ «۲۷ دسمبر ۱۹۷۹» هنوز هم ملت افغان در سر تاسر گیتی، خاطرات خونین و جانکاه تجاوز بیشرمانه و غیر بشری سوسیال امپریالیزم روسیه و عواقب ناگوار آنرا تا امروز، به کمک فروخته شدگان وطنی، بیاد آورده و بر روح پر فتوح شهداء و مجاهدین واقعی ای این خطه پاک درود و تهنیت میفرستند.

پایان